

یادداشت

درک بحران های خاور میانه



کوروش الماسی

محقق و پژوهشگر

اگر بپذیریم که راهکارهای کاربردی و کم هزینه براینرد درک، تشخیص و تحلیل عمیق شرایط و وقایع است، آنگاه می توان ادعا کرد که «تداوم انواع چالش ها» اجتماعی، ملی و خارجه، حاکی از فقدان درک، تشخیص و تحلیل عمیق است. شاید پربیراه نباشد، اگر گفته شود روابط خارجه مستقیم یا غیرمستقیم بستر بخش عمده چالش های اجتماعی و ملی است. اینکه چرا شهروندان خاورمیانه با وجود اشتراکات فرهنگی، تمدن چند هزار ساله، منابع و ذخایر سرشار و... باید این همه دچار انواع و انبوه چالش های گوناگون باشند، بی شک یک معمای حیرت آور است. به عبارتی، چرا با وجود تمامی ملزومات توسعه در همه عرصه ها، خاورمیانه دچار انبوه نزاع های بی پایان است؟ آیا این احتمال وجود دارد که انبوه چالش ها و نزاع های بی پایان و بی حاصل، توسط کشورهای فرا خاورمیانه مدیریت شوند؟ به عنوان مثال، آیا ممکن است، تحولاتی چون توسعه کشورهای حاشیه خلیج فارس، ویرانی ارتش های مقتدر عراق، سوریه و مصر به مثابه دشمنان اصلی اسرائیل، عادی سازی روابط میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رابطه ای خصمانه داشتند، رهایی اسرائیل از انبوه فشارهای بین المللی و... یک ریشه داشته باشند؟ یقینا پاسخ قطعی و شفاف به این پرسش ها بسیار دشوار و فراتر از توان و مجال این موجز است. اما برای «فهم هر چند اندک» انواع بحران ها که زیست شهروندان خاورمیانه را غیرانسانی کرده است، ترجمه چند فراز از کتاب «درک قدرت»، فصل چهار، بخش «درک مناقشه خاورمیانه»، صفحات ۱۲۵ - ۱۲۶، نوشته نوام چامسکی، ارائه می شود. (و همه می دانند که کشور فلسطین کجا باید باشد - در کرانه باختری (رود اردن) و نوار غزه، تقریباً در امتداد مرزی که قبل از جنگ شش روزه وجود داشت. و همه می دانند که نماینده فلسطینی ها چه کسی است: سازمان آزادی بخش فلسطین. سال هاست که همه این موضوعات شفاف است - پس چرا تحولی رخ نداد؟ خوب، البته اسرائیل مخالف آن بود، اما دلیل اصلی که کشور فلسطینی تأسیس نشد، این بود که آمریکا مانع آن شد. در ۲۰ سال گذشته آمریکا مانع تحقق روند صلح در خاورمیانه بوده است. ما (آمریکا) رهبران اردوگاه مخالفان (صلح خاور میانه) هستیم، نه اعراب یا کس دیگری. توجه کنید که آمریکا از سیاستی حمایت می کند که هنری کسینجر آن را «بن بست» (پات در شطرنج)» نامید؛ این کلمه ای بود که کسینجر در ۱۹۷۰ برای چالش فلسطین- اسرائیل به کار برد. در آن زمان نوعی اختلاف نظر با شکاف در دولت آمریکا وجود داشت مبنی بر اینکه، آیا باید به اجماع گسترده جهانی پیرامون یک توافق سیاسی «پیوبندون» یا «مانع» اجماع جهانی شوند. اینکه در بحث و جدال های درونی، تندروهای افراطی موفق شدند نظرشان را غالب کنند، کسینجر سنگتوی اصلی تندروها بود. سیاستی که غلبه پیدا کرد، چیزی بود که کسینجر آن را «بن بست» نامید. امور را در همان حالت که هستند نگه دارید، سیستم ظلم و ستم اسرائیل را حفظ کنیم و دلیل خوبی برای این سیاست وجود داشت، این سیاست بلا مقدمه یا غیر منظره هم نبود. داشتن یک اسرائیل حاضر به جنگ و دارای توان بالای نظامی، یک بخش مهم از توانایی ما (آمریکا) برای مدیریت جهان است. اساسا آمریکا هیچ اهمیتی به اسرائیل نمی دهد، اما چیزی که برای آنها اهمیت دارد، کنترل منابع و ذخایر سرشار انرژی در خاورمیانه است. منظور این است که «بخش عمده ابزار مدیریت جهان از طریق کنترل نفت خاورمیانه» است. «آیا تحولات و بحران های خاورمیانه که منشا انبوه درد و رنج، ناامیدی، فقر و... است، تنها صحنه های یک نمایشنامه تئاتر، مدیریت شده توسط کارگردان های انرژی خوار است؟» بی شک، سیاست از تاریخ، فرهنگ، شخصیت ها و اسطوره های ملی (آر یو برزن، بهرام چوبین، فردوسی، فهمیده، همت و...) پادزهر کاربردی و کارآمدی در مقابل کارگردان های انرژی خوار فرامنطقه ای نتاثر خاورمیانه است. اینکه تضعیف ملی گرایی در خاورمیانه سیاست بنیادی آمریکا، انگلیس و... است، حق یا چامسکی است. «برجسته ترین ویژگی آنها، وطن پرستی است. آیا خطاست اگر گفته شود، وطن پرستی بنیادی ترین ابزار مقابله با انرژی خواران بیگانه و عوامل داخلی آنهاست؟

در پچه

جلال میرزایی:

اختلافات محسن رضایی با محمد مخبر دلیل حذفی بود

یک نماینده پیشین مجلس درباره ابلاغیه مربوط به جداشدن معاون اقتصادی و معاون اجرایی رئیس جمهور از کمیسیون اقتصادی که برخی آن را حاصل اختلاف در تیم اقتصادی دولت عنوان می کنند، گفت: اگر مروری بر موضع گیری های آقایان مخبر و رضایی و رئیس جمهور در طول این ۸ ماه داشته باشیم، متوجه می شویم اختلافاتی بین آقای رضایی و مخبر وجود داشته است. به طور مثال آقای محسن رضایی که معاون اقتصادی رئیس دولت است، مصاحبه کردند که رئیس جمهور در جلسات دولت تأکید کردند که مسئول هماهنگی تیم اقتصادی دولت آقای مخبر هستند. جلال میرزایی بیان کرد: مساله این است که این اختلاف نظر بر سر چیست؟ آیا می شود این را اختلافات در تیم اقتصادی دولت قلمداد کنیم؟ وی ادامه داد: دولت باید وضع مقررات و سیاست گذاری ها را انجام دهد، در سال های اخیر انچنان مشاهده نکردیم دولت سهمش از سیاست گذاری آنچه که باید باشد و بتواند با اتخاذ سیاست هایی بر اقتصاد تاثیر بگذارد مانند اینکه با افزایش یا کاهش نرخ بهره و وضع تعرفه ها توانایی این را داشته باشد که بر اقتصاد و روند توسعه کشور موثر باشد. وی افزود: یعنی ما امروز نمی دانیم در حوزه سیاست گذاری اقتصادی دولت چه کاری می تواند انجام دهد و چه کاره است؟ بنابراین آن چیزی که در حال حاضر وجود دارد، بیشتر مشغله و درگیری دولت، دولتمردان و به خصوص کمیسیون اقتصادی در وضع مقررات است نه سیاست گذاری. وضع مقررات هم یعنی اینکه بیایند مقررات و آئین نامه ای برای اجرای برنامه ها تدوین کنند و انجام این کار هم انچنان چیزی نیست که بگویم این اختلاف در تیم اقتصادی است. عضو فراکسیون امید مجلس دهم بیان کرد: هنگامی که صحبت از اختلاف می کنیم ذهن را به سمت سیاست ها می بریم.

محسن جلیلودن در گفت وگو با «آرمان ملی»:

برجام در تعلیق؟

- حاشیه ها و خواسته های حداکثری، عامل اصلی است

حاشیه ها بر متن در بر جام غلبه کرده است؛

طرفین باید با رفتن به سمت «خواسته های حداقلی»

از خود انعطاف نشان دهند تاگره مذاکرات گشوده شود

سه شنبه
۱۴۰۱/۰۵/۰۶
شماره ۱۲۶۲
۲۴ رمضان ۱۴۴۳ / ۲۶ آوریل ۲۰۲۲

armanmeli.ir

سال پنجم

شماره ۱۲۶۲



آرمان ملی - احسان انصاری: آینده برجام در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. از یک طرف آمریکا خواستار تجدیدنظر ایران در برخی اقداماتش است و از سوی دیگر ایران به دنبال خارج کردن برخی نهادهای از لیست تحریم هاست که در متن برجام وجود ندارد. این موضوعات به همراه تحولات بین المللی از جمله حمله نظامی روسیه به اوکراین باعث شده که سرنوشت مذاکرات با وضعیت پیچیده ای مواجه شود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر محسن جلیلودن، تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده است. جلیلودن معتقد است: «در شرایط کنونی میدان بر دیپلماسی غلبه پیدا کرده است. دلیل اصلی این موضوع نیز این است که تحولات بین المللی زیادی در طول این سال ها رخ داده است. امروز دیپلماسی تابعی از میدان شده و اتفاقاتی که در عرصه بین المللی رخ می دهد بر دیپلماسی تأثیر گذاشته است. اینکه بنده عنوان می کنم ایران و آمریکا به تنظیمات کارخانه بازگشته اند به معنای این است که دو طرف باید درباره مسائلی به جز برجام مذاکره کنند. امروز شرایط به شکلی است که حاشیه به متن چسبیده و بسیار به هم نزدیک است. به همین دلیل نیز جدا کردن حاشیه های برجام از متن بسیار سخت و دشوار شده است.» در ادامه محصل این گفت وگو را می خوانید.

نشده است. نظر شما چیست؟ من معتقدم رویکردی که آمریکا در این زمینه در پیش گرفته به سمتی نخواهد رفت که سپاه از لیست تحریم ها خارج شود. به نظر می رسد یک حالت بینابینی در این زمینه وجود دارد. در شرایط کنونی میزان صادرات نفت ایران به صورت غیر رسمی بیشتر شده است. این وضعیت ممکن است درباره شرایط سپاه نیز به وجود بیاید و آمریکا به صورت غیر رسمی تحریم های سپاه را نادیده بگیرد. اینکه بایدن بخواهد به صورت رسمی تحریم های سپاه را بردارد و آن را امضا کند کار را تا حدودی دشوار کرده و به همین دلیل نیز تاکنون تصمیمی در این زمینه گرفته نشده است. پیشنهاد دیگری که آمریکا داده این است که سپاه را از لیست تحریم ها خارج می کند اما سپاه قدس همچنان باید در تحریم باقی بماند. این درخواست البته با مخالفت ایران مواجه شده و ایران این درخواست را نپذیرفته است. نکته کلیدی در این زمینه این است که تحریم های سپاه موضوع جداگانه ای است و ارتباطی به برجام ندارد. در چنین شرایطی آمریکا عنوان می کند اگر قرار است موضوعاتی مانند تحریم سپاه که به برجام ارتباطی ندارد را حل کنیم ایران نیز باید در برخی رویکردهای خود تجدیدنظر کند. این سخن به معنای این است که اگر قرار است یک طرف وارد حاشیه شود طرف دیگر نیز باید وارد حاشیه شود. این شرایط سبب شده که مذاکرات قفل شود. اینکه در نهایت چه اتفاقی رخ خواهد داد بستگی به پیشنهادهایی دارد که از سوی کشورهای اروپایی مطرح خواهد شد.

اگر ایران و کشورهای غربی به توافق برسند و آمریکا تحریم های ایران را لغو کند، چه پروسه ای اتفاق خواهد افتاد که تغییرات مثبت اقتصادی در داخل ایران مشهود شود؟

واقعیت این است که در یک دهه اخیر یعنی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ رشد اقتصادی در ایران به صورت میانگین صفر و کمی بالاتر بوده است. بر اساس محاسباتی که صندوق بین المللی پول با دلار ۱۲ هزار تومانی انجام داده اقتصاد ایران در حدود ۲۳۰ میلیارد دلار است. در چنین شرایطی اگر آمریکا همین امروز همه ۱۷۰۰ تحریم اعمال شده علیه ایران را لغو کند، در حدود هشت سال طول خواهد کشید که اقتصاد ایران تازه به وضعیت کسب از بین بازگردد. این وضعیت در خوش بینانه ترین حالت است که پس از توافق جدید و لغو تحریم ها اتفاق دیگری رخ ندهد که دوباره شرایط را سخت کند. به همین دلیل زیاد نمی توان به بهبود وضعیت اقتصادی پس از لغو تحریم ها خوشبین باشیم. با این وجود از نظر روانی یک شوک مثبت به اقتصاد ایران وارد خواهد شد. این شوک می تواند امیدواری ها را نسبت به تغییرات اقتصادی در کشور به وجود بیاورد. من معتقدم تنها در شرایطی که اتفاق خاصی رخ بدهد که در سرنوشت مذاکرات تأثیر بگذارد و آینده توافق را مخدوش کند می توان شرایط آینده را پیچیده ارزیابی کرد. برنامه مذاکرات است توجه به سیاست های استراتژیک در کشور پیگیری می شود. تنها اتفاقی که در این زمینه رخ می دهد تغییر رویکردهاست. تصمیم درباره آینده برجام یک تصمیم استراتژیک است. ایران و آمریکا گرفته می شود. روسای جمهور تنها مجری این سیاست و استراتژی ها هستند. در ایران حتی تاکتیک ها نیز در اختیار رئیس جمهور نیست که وی بخواهد با تاکتیک های مورد نظر خودش مذاکرات را مدیریت کند. برنامه ریزی ها در این زمینه در نهادهای دیگری تدوین می شود و در نهایت بر اساس این برنامه ریزی ها تصمیم گیری می شود.

شمار نمی رفت. این اتفاقات ارتباطی به ترکیب تیم مذاکره کننده ایران و نوع مذاکراتی که این تیم دنبال می کند، ندارد. در طول سال های پس از ۲۰۱۵ اتفاقاتی رخ داد که بسیاری از معادلات را تغییر داده است. در سال ۲۰۱۵ بر نامه هسته ای ایران در نقطه دیگری قرار داشت در حالی که امروز برنامه هسته ای ایران در نقطه متفاوتی قرار گرفته است. این وضعیت درباره آمریکا نیز وجود دارد. در سال ۲۰۱۵ این کشور با وضعیت دیگری مواجه بود در حالی که امروز با شرایط متفاوتی مواجه است. همه این مسائل در تصمیم گیری هایی که قرار است در شرایط کنونی گرفته شود، نقش دارد. به تعبیر آقای ظریف در شرایط کنونی میدان بر دیپلماسی غلبه پیدا کرده است. دلیل اصلی این موضوع نیز این است که تحولات بین المللی زیادی در طول این سال ها رخ داده است. امروز دیپلماسی تابعی از میدان شده و اتفاقاتی که در عرصه بین المللی رخ می دهد، بر دیپلماسی تأثیر گذاشته است. امروز شرایط به شکلی است که حاشیه به متن چسبیده شده و بسیار به هم نزدیک است. به همین دلیل نیز جدا کردن حاشیه های برجام از متن بسیار سخت و دشوار شده است.

تصور می کنید این شرایط تا چه زمانی ادامه پیدا کند و گره مذاکرات چگونه باز خواهد شد؟

گره مذاکرات زمانی باز خواهد شد که طرفین از خواسته های حداکثری به خواسته های حداقلی

شرایطی است که مذاکرات در چنین شرایطی به نتیجه برسد. طرفین باید پیشنهادهایی را مطرح کنند که بتوانند درباره آنها به توافق برسند. در شرایط کنونی این اتفاق رخ نداده و به جای آنکه بر خواسته های حداقلی تأکید کنند، به طرح موضوعاتی پرداخته می شود که خواسته های حداکثری است و درباره آنها اصرار دارند. این در حالی است که شرایط بین المللی نیز در پیچیده شدن شرایط تأثیر گذاشته و باعث شده طرفین از برخی خواسته هایی که می تواند به موفقیت مذاکرات کمک کنند به راحتی عدول نکنند. موضوعاتی مانند جنگ اوکراین، تحریم روسیه و مسائلی که درباره چین وجود دارد باعث شده عدول طرفین از خواسته های حداکثری به راحتی گذشته نباشد. نکته دیگری آنکه اگر قرار است مذاکرات به نتیجه برسد، باید حاشیه ها از متن برجام جدا شود و جوهره برجام که درباره برنامه هسته ای ایران است مورد توجه قرار بگیرد. این در حالی است که در شرایط کنونی موضوع برجام گروگان حاشیه ها شده و این حاشیه ها هستند که اجازه نمی دهند متن اصلی برجام مورد توجه قرار گیرد. آقای امیر عبداللّه یان در جایگاه وزیر خارجه به صراحت عنوان کرد که اصل برجام به نتیجه رسیده اما آنچه باعث شده هنوز توافق نهایی صورت نگیرد، حاشیه هایی است که پیرامون برجام به وجود آمده است. واقعیت این است که تا زمانی که این حاشیه ها وجود داشته باشد، متن برجام به نتیجه نخواهد رسید و حاشیه ها اجازه چنین کاری را نخواهند داد.

یکی از موضوعات مطرح شده لزوم خروج سپاه از لیست گروه های تروریستی است که تا امروز محقق

دیدگاه

اخلا محمدریکادر آزادشدن پول های بلوکه شده ایران

بازی برجامی سؤل در زمین واشنگتن

در حالی که مقامات کره جنوبی در ملاقات های قبلی و جاری خود و همچنین مرادوات غیر حضوری با مقامات وزارت امور خارجه کشورمان با آزادسازی پول های بلوکه شده جمهوری اسلامی ایران و انتقال آنها موافقت کرده بودند، اکنون شاهد توقف این روند در نتیجه دستور مستقیم واشنگتن به سئول هستیم! اخیرا سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گزارش ها در مورد گشایش در مذاکرات وین و آزادسازی پول های بلوکه شده ایران را نادرست خواند. ند پرایس تأکید کرد تمام تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی همچنان اعمال می شوند و اعمال خواهند شد. در این خصوص، پرایس به نکته قابل تامل دیگری اشاره کرده است، گزارش های منتشر شده درباره آزادسازی دارایی های بلوکه شده ایران در کشورهای ثالث نادرست هستند و متحدان آمریکا پولی را آزاد نکرده اند و آمریکا هم انتقال این دارایی های بلوکه شده را تأیید نکرده و برای این کار مجوزی نداده است. همان گونه که مشاهده می شود، مقامات آمریکایی رسماً مسئولیت عدم آزادسازی پول های بلوکه شده ایران در کره جنوبی را برعهده گرفته اند. به نظر می رسد یکی از اصلی ترین دلایل این اقدام، تلاش برای امتیاز گیری از تهران بر سر مسائل اختلافی باقی مانده در روند تکمیل مذاکرات وین باشد. این مذاکرات از حدود دو هفته قبل معطل تصمیم نهایی آمریکا بر سر موضوعاتی مانند ارائه تضمین های اعتباری و خروج سپاه پاسداران و برخی نهادهای دیگر از لیست گروه های تروریستی ادعایی واشنگتن شده است. مخالفت رسمی آمریکا با آزادسازی پول های بلوکه شده ایران در کره جنوبی در حالی صورت می گیرد که اخیرا اخباری درباره احتمال آزادسازی بخشی از پول های بلوکه شده

ایران منتشر شده بود. بر این اساس، قرار بود دارایی های ایران در کره جنوبی آزاد و به حساب بانک مرکزی ایران منتقل شود. سعید خطیب زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان نیز قبلا اصل آزادسازی این پول های بلوکه شده را مورد تأیید قرار داده بود. حدود ۷ میلیارد دلار از منابع حاصل از فروش نفت ایران به کره جنوبی در بانک های این کشور بلوکه است.

***سکوت معنادار کره**

در این میان، سکوت مقامات کره ای در قبال اظهارات ند پرایس کاملاً معنادار است! مقامات کره جنوبی رسماً پذیرفته اند که واشنگتن یک تصمیم کاملاً داخلی و حاکمیتی کره جنوبی را با اراده خود رقم زده و استتباط کند! به عبارت بهتر، به رغم ادعای مقامات کره ای مبنی بر لزوم بهبود روابط سئول - تهران، اکنون شاهد استمرار بازی این کشور در زمین ایالات متحده آمریکا هستیم. در چنین شرایطی حتی اگر بعدها بر اثر انعقاد برجام شاهد آزادسازی پول های بلوکه شده خود در کره جنوبی باشیم، نمی توان هزینه ها و تبعات بازی برجامی سئول در زمین واشنگتن را نادیده انگاشت. کره جنوبی با توجه به اینکه ۷ میلیارد دلار از دارایی های ایران را بلوکه کرده است، سعی دارد در عین بازی در زمین واشنگتن و عدم آزادسازی پول های بلوکه شده کشورمان تازمان عدم موافقت آمریکا، لطمه ای به مناسبات این کشور و ایران وارد نشود! این دوگانگی و پارادوکس سال هاست در سیاست خارجی کشورهایی مانند کره جنوبی، ژاپن و دیگر متحدان بین المللی آمریکا وجود دارد. کره جنوبی منافع اقتصادی و تجاری بالایی در ایران دارد و تحریم ایران به ضرر اقتصاد کره جنوبی خواهد بود. با همه این اوصاف، سئول در عرصه بین المللی سال هاست که در کسوت متغیری وابسته به کاخ سفید ایفای نقش می کند. این مسأله ارتباطی با حضور یکی از دو حزب دمکرات یا جمهورخواه در راس هرم قدرت در آمریکا ندارد. مقامات کره ای به لحاظ حقوقی و اعتباری آگاهند که شدن پول های بلوکه شده ایران در کره جنوبی، برخلاف قوانین بین المللی بلوکه شده است. کره در ابتدا قصد داشت به جای پرداخت پول مستقیم، به ایران کالا صادر کند اما این موضوع مغایر با تعهدات بازرگانی کره ای ها به کشورمان بود. در حال حاضر نیز سئول رسماً آزادسازی پول های بلوکه شده را به سرنوشت مذاکرات وین گره زده است. در هر حال، قطعاً مقامات کره ای بابت عقب نشینی دوباره از توافقات صورت گرفته و عدم اجرایی کردن آنها، مورد عتاب و بازخواست دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان قرار خواهند گرفت. یک رمزگشایی ساده از اظهارات ند پرایس و دیگر مقامات آمریکایی نشان می دهد که در آینده نیز کره ای ها تنها در صورت موافقت واشنگتن و مقامات کاخ سفید، به تعهدات حداقلی خود مبنی بر آزادسازی اموال بلوکه شده کشورمان عمل خواهند کرد.